

بررسی جرم شناختی تأمین مالی تروریسم
وحید وزیری^۱ - محمد علی حاجی ده آبادی^۲*
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲

چکیده:

تأمین مالی تروریسم، به مجموعه اعمالی اطلاق می شود که با ارائه یا جمع آوری مبالغ به هر نحو و با هر توجیهی از جمله پرداخت جزیه، مالیات، خرید و فروش مواد مخدر، قاچاق انسان و سایر تجارت‌های سیاه انجام می‌شود که به صورت مستقیم و غیرمستقیم و برخلاف قانون و به عمد و با وجود قصد به شکل‌های گوناگونی همچون پول نقد، ارائه اموال منقول و غیرمنقول، حواله‌ها و ابزار الکترونیک در اختیار این گروه‌ها قرار می‌گیرد. هدف از پژوهش حاضر بررسی جرم شناختی تأمین مالی تروریسم است و سوال اصلی در این پژوهش این است که، از دیدگاه جرم شناختی و با تبیین نظریات جرم شناسی به بررسی چرایی گرایش افراد، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف به حمایت مالی از گروه‌های تروریستی پرداخته شود؟ نظریات جرم شناختی چون معاشرت افتراقی، خنثی سازی را جرم بیان می کنند.

واژگان کلیدی: تأمین مالی تروریسم، حس انتقام، توزیع ناعادلانه، ایدئولوژی، جرم شناسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - دانشجوی دکتری، حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق و علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
vahid.vaziri90.vv@gmail.com

^۲ - دانشیار و عضو هیئت علمی، حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران: نویسنده مسئول

dutism15@gmail.com

مقدمه

گروه‌های تروریستی اقدام به تامین مالی خود از راه‌های مختلف می‌نمایند. تجارت مواد مخدر، قاچاق نفت، فروش انسان، آدم ربایی و اخاذی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تهیه کلیپ‌های تبلیغاتی و جذب حامی و داوطلب از سراسر دنیا از جمله راه‌های تامین مالی تروریسم است. در این بین گاهی دولت‌ها نیز اقدام به تامین مالی این گروه‌ها می‌نمایند. در مواقعی تاریخی، زمانی که دولت‌ها توان پیش بردن اهداف خود از راه‌های سیاسی-اقتصادی و حتی تهدید نظامی به صورت رسمی و علنی را ندارند، اقدام به تشکیل، حمایت و تامین مالی گروه‌های تروریستی می‌نمایند. این دولت‌ها از طریق ایجاد رعب و وحشت در میان شهروندان خود در جهت اطاعت از خواسته‌های آنان و یا ایجاد ایدئولوژی یا از بین بردن یک ایدئولوژی یا سرکوب یک قوم یا مذهب (برای مثال اسلام هراسی یا غرب هراسی)، اقدام به تامین مالی برخی گروه‌های تروریستی کرده و بدین ترتیب اقدام به حذف یا تضعیف دشمنان خود می‌نمایند.

از سوی دیگر، مردم سرزمین‌های آفریقایی، خاورمیانه و خاور نزدیک، به دلیل قرار گرفتن مداوم در معرض اهداف سلطه جویانه کشورهای قدرتمند غربی چون انگلستان، فرانسه، امریکا و اصرار به عقب مانده و فقیر باقی گذاشتن آنان به عنوان بخشی از سیاست‌های استعماری کشورهای غربی، دچار نوعی ایدئولوژی ضد غربی و جنگجویانه شده‌اند که تنها راه مقابله با این نوع دیپلماسی و ظلم‌هایی تاریخی بر مردمان خود را صرفاً انجام اقدام‌های تروریستی و تلافی جویانه خشونت بار می‌دانند. فقر، بیکاری، عدم ثبات سیاسی، عدم دستیابی به دموکراسی و آزادی‌های سیاسی، عقب ماندگی، عدم توزیع عادلانه قدرت و ثروت و رفاه اجتماعی، سواستفاده از منابع مادی و معنوی موجود در این سرزمین‌ها، کشتار مردم، دیدگاه‌های مذهبی و گاهاً بازگشتن به دیدگاه‌های مذهبی پیش از قرون وسطی مانند جنگ‌های صلیبی، فقر، مهاجرت و عدم جامعه پذیری در کشورهای مقصد که اغلب با ناهمگونی فرهنگی، ارزشی نیز همراه است، سرخوردگی و ایجاد حس انتقام، احساس حمایت شدن صرف توسط گروه‌های تروریستی، از جمله دلایل رشد و گسترش گروه‌های تروریستی در این سرزمین‌هاست. از همین رو، در این پژوهش به وسیله نظریات جرم شناختی به تبیین چرایی گرایش به گروه‌های تروریستی و تامین مالی آنها، اهداف و انگیزه‌های حمایت کنندگان، نقاط داغ، تamen کنندگان و تامین شوندگان پرداخته می‌شود.

نظریه‌های جرم شناختی تبیین کننده تأمین مالی تروریسم

۱- معاشرت افتراقی

براساس این نظریه ساترلند، با تقسیم تاثیر معاشرت در سه سطح فردی، اجتماعی و گروهی به تبیین تضاد بین مفاهیم و هنجارهای اجتماعی، معاشرت افتراقی و گروه‌های سازماندهی شده افتراقی می‌پردازد و از این طریق اقدام‌های مجرمانه را در سطوح مختلف جامعه، فرد و گروه تبیین می‌کند. از همین رو، در اینجا این سه بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱-۱- سطح فردی: در سطح فردی، این نظریه به دنبال پاسخ به این سوال است که چگونه اختلافات هنجاری در جامعه به اعمال جنایی فردی تبدیل می‌شود؟ بر این اساس، رفتار جنایی در یک فرایند ارتباطی در گروه‌های صمیمی آموخته می‌شود. محتوای یادگیری شامل دو عنصر مهم است. ابتدا مهارت‌ها و تکنیک‌های لازم برای ارتکاب جرم، که می‌تواند از مهارت‌های پیچیده و تخصصی مثل کلاهبرداری رایانه‌ای که سبب افزایش اعتماد به نفس می‌شود تا مهارت‌های ساده و قابل دسترس مثل رانندگی در حین مستی را در برگیرد. دوم، تعاریف مطلوب و نامطلوبی که برای جرم و جنایت وجود دارد و شامل انگیزه‌ها، واژگان و اصطلاحاتی می‌شود که جرم و جنایت را توجیه می‌کنند. به عنوان مثال، تعاریف مطلوب برای تقلب در مالیات بر درآمد عبارتند از جملاتی این چنین که: دولت حق ندارد از شهروندان خود مالیات بر درآمد اخذ کند. یا تعاریف مطلوب برای رانندگی در حین مستی که عبارتند از: اینکه من می‌توانم در حین مستی مسافت کوتاهی را تا خانه طی کنم. تعاریف مناسب برای اعمال خشونت بار نیز عبارتند از اینکه: اگر مردانگی شما تهدید می‌شود، شما مجبورید با آن مبارزه کنید و برای حفظ احترام، شما ناچارید که وارد مبارزه شوید و نمی‌توانید از آن عقب نشینی کنید. اینها تعابیری است که در گرایش افراد به گروه‌های تروریستی و کمک به تأمین مالی آن نیز کاربرد دارد. در واقع، این تعاریف مطلوب برای جرم و جنایت به سازماندهی و توجیه خط مشی جنایی در یک موقعیت خاص کمک می‌کند. در مقابل این تعابیر مطلوب، تعابیر نامطلوب نیز وجود که با منفی انگاشتن اعمالی که ممکن است به جامعه ضرر وارد آورد و ترویج و توجیه آن از طریق آموزش، می‌توان ضرری را که از تعابیر مطلوب ایجاد شده، جبران نمود. از سوی دیگر، ساترلند دریافت که تعابیری که در طول زندگی بیشتر و در مدت زمان طولانی‌تری کاربرد داشته‌اند، بیشتر می‌توانند در ارتکاب جرم و روند تولید جنایت تاثیر گذارند. از همین رو، به نظر (Matsueda) اگر فرد دارای سه شرط زیر باشد، امکان درگیر شدن در

فعالیت‌های مجرمانه را دارد:

۱. فرد مهارت و تکنیک‌های لازم برای ارتکاب جرم را یاد گرفته است.
 ۲. این فرد بیش اندازه با تعریف‌های مطلوب برای جرم و جنایت آشنا شده باشد.
 ۳. شخص دارای فرصت‌های عینی برای ارتکاب جرم باشد. (ماستودا، ۲۰۱۴)
- از همین رو، یکی از دلایل عمده‌ای که موجب جذب نیروهای مختلف و محبوبیت گروه‌های تروریستی در بین افراد می‌شود، تاکید آنها بر اصول اخلاقی و مبارزه با فساد است. برای مثال در افغانستان، گروه القاعده در دوره‌ای صاحب قدرت و محبوبیت برای مردم افغانستان شد که کشور دچار آشوب‌های مختلف شده و بسیاری از افراد از این آشوب‌ها سودهای کلان برده و به ثروت رسیده بودند. همین موضوع سبب افزایش شدید فاصله طبقاتی و بروز نابرابری و بی‌عدالتی در جامعه شد. گروه طالبان نیز با بهره‌گیری از شعارهایی چون برابری، اجرای حق و عدالت خدا در زمین و از بین بردن ظالمان و فاسدان، اقدام به جذب نیرو و گسترش محبوبیت خود در جامعه می‌نمود. (Sandler, 2004)

سطح جامعه: در سطح اجتماعی، جرایم ریشه در منازعات هنجاری دارد. برای ساترلند، جوامع ابتدایی و تفکیک شده با توجه به میزان هماهنگی، همبستگی و همدلی با ارزش‌ها و باورهای اساسی مشخص می‌شوند. چنین جوامعی بر رفتارهای مناسب اختلاف نظر دارند. چنین جوامعی به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند که با زیر سوال رفتن منافع، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری متضرر می‌شوند. این جوامع به جای همبستگی، اجبار به هماهنگی دارند. در این جوامع نرخ بالای جرم وجود دارد که با درگیری‌های هنجاری مرتبط است که جامعه را تقسیم بندی یا تفکیک نموده است. بنابراین به نظر ساترلند، هنگامی که در جامعه یک اختلاف هنجاری وجود نداشته باشد، نرخ جرم کم است، اما هنگامی که مناقشات هنجاری بالا باشد، میزان جرم اجتماعی نیز بالا خواهد بود. از همین رو، جرم در نهایت ریشه در منازعات هنجاری دارد.

نمونه این رفتار، رفتارهای متضاد ساکنین مهاجر کشورهای غربی هستند که در تضاد فرهنگی و ارزشی با ساکنین کشور مقصد قرار دارند و ارزش‌های مشترک آنها با کشور مقصد بسیار پایین است. خصوصا اگر این ارزش‌ها بیشتر شامل دیدگاه‌های ایدئولوژیک مذهبی باشد.

سطح گروهی: در سطح گروه، مناقشات هنجاری در جامعه به تبیین اجتماعی یک گروه از یک عمل مجرمانه بستگی دارد. در جوامع صنعتی، دو شکل سازمان وجود دارد که در کنار هم هستند و در واقع گاهی اوقات با روش‌های پیچیده‌ای همخوانی دارند، مانند زمانی که پلیس

رشوه را بگیرد و در اخاذی سازماندهی شرکت کند، یا بازیکنان بیس بال، به طور کلی از هم تیمی‌ها استفاده می‌کنند. ساترلند فرض کرد که قدرت نسبی سازمان در بکارگیری جرم، میزان ارتکاب اعمال مجرمانه در هر گروه یا جامعه را توضیح می‌دهد. بنابراین، در محله‌های حاشیه نشین یا طرد شده، که در برابر جنایات خیابانی ضعیف سازمان یافته‌اند، این امر به شدت به نفع چنین جنایاتی سازمان یافته شده است. برای مثال مافیا به شدت به نفع جرم و سازماندهی ضعیف علیه جرم و جنایت سازمان یافته است. علاوه بر این، فرآیند گروهی سازمان اجتماعی افتراقی، با فرآیند فردی ارتباطات اجتماعی افتراقی ارتباط دارد. گروه‌هایی که به شدت به نفع جرم سازماندهی شده‌اند، تعاریف متعدد و شدیدی را برای حمایت از جرم و جنایت بیان می‌کنند. برعکس، گروه‌هایی که به شدت در برابر جرم سازماندهی می‌شوند، تعاریف متعدد و شدید را که علیه جرم و جنایت می‌باشد، بیان می‌کنند. از همین رو، این گروه است که با تأثیر در تعاریف مطلوب و نامطلوب برای جرم درون گروه، میزان جرایم گروه را تبیین می‌کند و افراد سازمان یافته در گروه با توجه به فرصت‌ها و مهارت‌ها، به دلیل یادگیری تعبیر نامطلوب جرم، در جرایم شرکت خواهند کرد.

نمونه بارز این رفتار نیز، اعتقاد و علاقه مردم افغانستان به گروه القاعده و طالبان است که پس از فروپاشی شوروی به عنوان تنها قدرتی که کشور را از تجزیه و غارت شدن نجات داده‌اند، شناخته می‌شود. این گروه‌ها در دوره‌ای در افغانستان ظهور کردند که کشور افغانستان به وسیله کشور همسایه، پاکستان نیز مورد تهدید و تجزیه طلبی قرار داشت. این گروه‌ها با مبارزه با تجزیه طلبان و قدرت طلبان خارجی که با شعار برقراری عدل و برابری هم زمان بود، محبوبیت و قدرت کاریزماتیک بسیاری در میان افغان‌ها بدست آوردند و همین موضوع موجب حمایت‌های بیشتر از این گروه‌ها شد.

۲- فشار و بی سازمانی اجتماعی

نظریه‌های فشار و بی سازمانی اجتماعی، این فرضیه را مطرح می‌کنند که نظر سنجی اجتماعی ثبات و انسجام، منجر به انطباق می‌شوند، در حالی که بی نظمی و عدم انسجام، منجر به جرم و کجروی می‌گردد. در زمانی که انفکاک بین هدف‌های فرهنگی ارزشمند و وسیله‌های اجتماعی مشروع جهت نیل به آن اهداف وجود داشته باشد، در بی هنجاری، عدم انسجام جامعه تجلی می‌یابد. هر چه گروه، جامعه، یا اجتماع، بی سامان تر یا بی هنجارتر باشد، نرخ جرم و کجروی بالاتر خواهد بود. مرتون بیان نمود که بی هنجاری مشخصه کلی جامعه آمریکایی است و به

طور کلی، در طبقات پایین افزون تر است. زیرا، آنها بیش از دیگران از فرصت‌های مشروع دور نگه داشته شده‌اند. بنابراین، سطوح بالاتر بی‌هنجاری و بی‌سازمانی اجتماعی در گروه‌های قومی محروم و طبقه پایین، علت نرخ بالای جرم و بزهکاری در این گروه‌ها است. در سطح فردی، فشار حاصل از اختلاف بین اهداف آموزشی و شغلی که فرد آرزوی آن را دارد و موفقیت‌هایی که واقعا مورد انتظار است، احتمال این را که فرد مبادرت به رفتار مجرمانه یا بزهکارانه کند، افزایش می‌دهد. کوهن، کلوارد و اوهلین، نظریه مرتون را تغییر دادند تا بی‌هنجاری را برای باندهای بزهکار طبقه پایین به کار برند. میلر نظریه پردازی کرد که بزهکاری گروه‌های گوشه‌خایان، نگرانی‌های قانونی فرهنگ طبقه پایین را نشان می‌دهد. (جوانمرد، ۱۳۹۰)

نظریه مرتون به ساخت‌های اجتماعی که فشارهای خاصی را بر برخی افراد وارد می‌کند، اشاره دارد و بیان می‌کند که این فشارها موجب می‌گردد تا افراد به کارهایی که از نظر جامعه نیز مجرمانه است اما سبب بقای آنها می‌شود، دست یازند. بر پایه این نظریه، در بین عناصر متعدد ساختار اجتماعی و فرهنگی دو عنصر به لحاظ کج رفتاری از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند یکی شامل اهداف یا مقاصد تعریف شده می‌باشد که فرهنگ جامعه معین می‌کند و در قالب آرمان‌ها و آرزوهای اجتماعی در می‌آید و دومین عنصر ساختار فرهنگی وسایل و ابزار پذیرفته شده می‌باشند. به نظر مرتون افراد الزاما خودشان را نسبت به اهداف فرهنگی و وسایل نهادی شده منطبق نمی‌سازند و بخشی از افراد و گروه‌ها با ساخت اجتماعی و فرهنگی جامعه سازگار و هم‌نوا می‌شوند. (مرتون، ۱۹۶۸) رابطه فقر و جرم رابطه پیچیده‌ای است. به نظر مرتون تنها هنگامی فقر و محدودیت‌های ناشی از آن جرم را می‌شود که افراد فقیر شیفته رسیدن به ارزش‌های مورد تایید اعضای جامعه باشند و برای رسیدن به آن با کسانی وارد رقابت شوند که فرصت‌های مشروع را به میزان بیشتر در اختیار دارند در چنین وضعیتی رفتار ضد اجتماعی آنان طبیعی خواهد بود. بر پایه این دیدگاه، برای آنکه میزان جرم بالا رود، وجود فقر و محدودیت‌های ناشی از آن لازم است و در کنار آن وجود ارزش‌های خاص که همه افراد از جمله گروه‌های فقیر به شدت طلب می‌کنند نیز ضروری است. (سخاوت، ۱۳۷۴) نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی و فشار، برای تقویت سازماندهی اجتماعی محله و فرصت‌های مشروع برای جوانان به کار برده شده‌اند، اما اجرای برنامه‌های منطبق با این نظریه‌ها تا حدودی به خاطر مخالفت سیاسی، در اجرا با مشکل مواجه شد. مستر و روزنفلد پیشنهاد میکنند نرخ بالای جرم و جنایت در جامعه آمریکا، با تاکید متمایز آمریکایی بر موفقیت در کسب پول و عدم توازن قدرت تشکیلاتی

که در آن اقتصاد بر ساختار جامعه غلبه دارد، قابل توضیح است. آگنیو پیشنهاد داده است که نظریه فشار تغییر داده شود به گونه ای که مفهوم فشار بسط داده شود تا چندین منبع فشار، عدم نیل به اهداف، حذف محرک‌های مثبت یا مطلوب از فرد، و تماس با محرک‌های منفی را در بر گیرد و عواطف منفی به عنوان ساز و کاری در نظر گرفته شود که از طریق آن، برخی از انواع فشار منجر به بزهکاری می‌شود. (جوانمرد، ۱۰۵) در همین مورد، در بررسی علل پیوستن افراد به گروه تروریستی داعش، نبود شغل و منابع مالی کافی برای گذارن زندگی از علل عمده آن مطرح شده است. ماری هارف، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا هم در مصاحبه با ام‌اس‌ان‌بی‌سی (MSNBC) بیان نمود که لازم است تا راه‌حل‌های میان‌مدت و طولانی‌مدتی را برای یافتن دلایل ریشه‌ای که باعث جذب مردم به چنین گروه‌هایی می‌شوند، بیابیم. حال ممکن است علت آن نبود شغل کافی و یا موارد دیگر باشد. ماجد غماس رئیس دفتر مجلس اعلاى اسلامی عراق نیز در این مورد چنین بیان نمود که، عوامل مادی در جذب نیروهای داعش بسیار موثر بوده است. او در خصوص وضعیت پرداختی‌های داعش به نیروهایش می‌گوید: «با توجه به اوضاع بحرانی اقتصادی در جهان عرب طبیعی است که مبالغی که به عنوان حقوق ماهیانه به اعضای گروه داعش پرداخت می‌شود، برای شهروندان کشورهای مختلف عربی به ویژه آنها که مشکلات اقتصادی جدی‌تری دارند، جذاب است. به ویژه که این گروه از خانواده مبارزان خود هم حمایت می‌کند و سائورت‌های مالی از آنها ادامه دارد». (Matsueda, 2014)

۳- کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی در برگیرنده مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین و اصول و قوانین معین و دارای ضمانت اجرا است که یک جامعه در اختیار دارد و از آنها برای تضمین هم‌نوایی رفتار اعضا خویش، در برابر جرم و ارتکاب اعمال مجرمانه استفاده می‌کند. براساس این نظریه دو فرایند کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری، از جمله مکانیزم‌های مهم تحقق نظم اجتماعی به شمار می‌روند. از این رو، اگر جامعه‌پذیری به طور صحیح صورت نگیرد، کنترل اجتماعی ضرورت می‌یابد. اما اگر این فرایند به خوبی انجام گیرد، هر دو فرایند به حفظ نظم اجتماعی می‌انجامد و اعمال فرد و جامعه قابل پیش بینی می‌شود. کنترل اجتماعی زمانی مطرح می‌شوند که تخلف‌های افراد خطری برای تحقق هنجارها و ارزش‌های جامعه پدید آورند. در این صورت این تخلف‌ها جرم تلقی می‌شوند. این نظریه با ساختار اجتماعی و میزان کنترلی که جامعه بر فرد اعمال می‌کند، تاکید دارد. این ساختارها نقش بازدارنده دارد و افراد را با هنجارهای اجتماعی

همنوا می‌سازد. البته عوامل کنترل درونی نیز وجود دارد که فرد را در مقابل انحراف از هنجارهای اجتماعی جامعه محافظت می‌کند. در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه پذیری، نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارآیی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی می‌شود که پیامد آن نیز گرایش به ارتکاب جرم است. (ابوالمعالی، ۱۳۸۹) بر همین اساس، در جوامعی که دارای چارچوب فرهنگی متفاوت و اغلب نابه سامان است و افراد ارزش‌های اجتماعی مورد نظر خود را در جامعه نمی‌یابند و یا علاقه‌ای به پذیرش ارزش‌های جامعه‌ای که در آن ساکن هستند، ندارند، گرایش به سمت بروز رفتارهای مجرمانه یا ارتکاب اعمال خشونت آمیزی چون اعمال تروریستی یا حمایت از گروه‌های تروریستی افزایش می‌یابد و این موضوع زمینه حمایت از این گروه‌ها را فراهم می‌کند.

۴- نظریه مارکسیستی

این جرم‌شناسی به عنوان یک دیدگاه کلان و انتقادی که کل سیستم عدالت کیفری و نظام حکومتی را زیر سوال می‌برد، در پی برجسته کردن نابرابری‌های جامعه طبقاتی و نشان دادن تأثیر این عوامل بر روی تعریف جرم و روند جرم‌انگاری و همچنین مقابله با جرم و واکنش اجتماعی در این زمینه بود. (سلیمی، ۱۳۸۳) این نظریه، که در جرم‌شناسی واکنش اجتماعی مطرح می‌شود، عمدتاً جنبه سیاسی و اقتصادی دارد. این نظریه از جایگاه خاصی در جرم‌شناسی برخوردار است و بیشتر به جرم‌شناسی رادیکال مرتبط است. به گونه‌ای که می‌توان بیان نمود که، منشا جرم‌شناسی رادیکال، نظریه مارکسیسم است که یک دیدگاه انتقادی و سیاسی به حقوق کیفری دارد. به نظر مارکس در جوامع سرمایه داری، اقتصاد زیربنا و حقوق یکی از اجزای روبنا است و به عقیده او، جرم در جوامع سرمایه داری در واقع، فریاد طبقه زیردست و فقیر بر وضع موجود، شرایط غلط و نابسامان اقتصادی، عدم تساوی طبقاتی یا نابرابری‌های اقتصادی و نحوه تقسیم سرمایه و تولید در آمد و کار است (نوربها، ۱۳۸۰) و بر جرم و مجرمیت به عنوان محصول قهری حاکمیت فاسد و مفسد نظام سرمایه داری تأکید می‌ورزد. (صفاری، ۱۳۸۸) نمونه بارز در گروه‌های تروریستی که با هدف برقراری عدل الهی و ریشه کردن کردن ظلم و ستم بالاخص به مسلمانان به وجود آمده و قدرت گرفته است، گروه اسلام‌گرای داعش است. این گروه برپایی حکومت دینی و اجرای شریعت اسلامی را وظیفه خود می‌داند و معتقد است که تنها راه دستیابی مسلمانان به عدل الهی اجرای دستورات شریعت اسلامی است.

۵- نظریه پست مدرن

یکی از نظریه‌های جرم‌شناسی انتقادی که از دهه ۱۹۹۰ میلادی متولد شد و تبیینی نظام‌مند از پست مدرنیسم را وارد جرم‌شناسی نمود، جرم‌شناسی پست مدرن یا التقاطی است. جرم‌شناسی پست مدرن یک رویکرد مثبت ارائه می‌کند و علیرغم پذیرفتن انتقادات پست مدرنیسم بر مدرنیسم و به طور خاص تجربه‌گرایی تحقیقی (اثباتی)، باوری به پوچ‌انگاری و ذهن‌گرایی ندارد. این نظریه، خوانش‌های تک‌ساحتی از جرم که در جرم‌شناسی‌های پیش از خود وجود داشته است را نمی‌پذیرد و با ترکیب نظریه‌های مختلف از رشته‌های علمی گوناگون و استفاده از تمام رویکردهای فکری که به پست مدرنیسم نظاره دارند، سعی در تحلیلی همه‌جانبه دارد. نگاه به جرم به عنوان یک واقعیت عینی در این نظریه جایی ندارد و جرم‌شناسان پست مدرن بر این باورند که به علت پیچیده بودن روابط انسانی و اجتماعی، به نظریه‌های پیچیده علت شناختی مانند نظریه آشوب نیز نیاز است. در پست مدرنیسم علت جرم، خطی و قابل پیش‌بینی نیست بلکه حساس به شرایط اولیه و غیر قابل پیش‌بینی دقیق است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷) جرم‌شناسی پست مدرن نیز در تحلیل چرایی ارتکاب جرم، قائل به پیچیده بودن انسان و روابط اجتماعی و انسانی است و برای فهم این سیستم پیچیده از نظریه آشوب استفاده می‌کند. دلایل ارتکاب جرم در نظریه‌های جرم‌شناسی مدرن تابع یک نمودار خطی است، اما بر اساس نظریه آشوب، علل ارتکاب جرم تابع دینامیکی غیرخطی و بسیار حساس به شرایط اولیه است. نظریه آشوب، برای فهم نظام‌های پیچیده و آشوبناک که مشخصه‌هایی مانند غیر قابل پیش‌بینی بودن، غیر خطی بودن، حساس به شرایط اولیه و غیره دارند، به کار گرفته می‌شود و از چشم‌انداز نظری سازگار با پارادایم پست مدرن است که با تأکید بر پیچیدگی و تنوع آزمون و تجربه، پارادایم اثبات‌گرایی جبرگرا را به چالش می‌کشد. (لاوی، ۱۹۹۴) بهترین مثال برای درک مشخصه‌های ذکر شده در بستر نظریه آشوب مثال «اثر پروانه‌ای» است، مبنی بر اینکه بال زدن یک پروانه در آسیای شرقی می‌تواند منجر به طوفانی در آمریکای شمالی شود. در فضای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، البته با کمی دقت، این بال‌های پروانه که بر رفتار انسانی تأثیر می‌گذارند و طوفانی به نام جرم را به راه می‌اندازند بسیار قابل‌لمستر از مثال ذکر شده هستند. چه اختلافات خانوادگی غیر قابل‌اهمیتی که قتل‌های متعددی را رقم زده است و چه بسیار شرایط زمانی و مکانی متفاوت که یک انسان متعهد و وظیفه‌شناس را به رئیس‌کوره‌های انسان‌سوزی تبدیل کرد و بالاتر از آن، چه اشخاصی که یک تغییر کوچک در

سرنوشتشان، تقدیر میلیون‌ها انسان را تغییر داده و هزاران مجرم و بزه دیده خلق کرده است. (قردان قمرلکی، ۱۳۸۹) بسیاری از رهبران و نیروها و حمایت کنندگان گروه‌های تروریستی در زندگی شخصی خود، چنین آشوب‌هایی را تجربه کرده‌اند. برای مثال ابوبکر بغدادی رهبر داعش زندگی سخت اما در عین حال آرامی را سپری کرده است. برادر او در جنگ کشته شده و خود او نیز دچار مشکلات جسمی بوده. او در جریان حمله نیروهای آمریکایی به عراق به مبارزه با آنها می‌پردازد و توسط نیروهای آمریکایی دستگیر می‌شود. او که فردی تحصیل کرده و دانشجوی دکتری بوده، از این پس تصمیم می‌گیرد تا رهبری گروه‌های ضدآمریکایی را بر عهده بگیرد و به مبارزه با نیروهای غربی بپردازد.

۶- نظریه جرم‌شناسی فرهنگی

جرم‌شناسی فرهنگی نوعی از تحلیل است که به تصویر، معنا، قدرت، بازتاب و سبک زندگی در مطالعه جرم، انحراف و کنترل اجتماعی حساس است. این جرم‌شناسی توجه خود را به ساختار-های فرهنگ رایج به ویژه رسانه‌های جمعی از جرم و کنترل جرم معطوف می‌کند و به بررسی این مساله می‌پردازد که چگونه و به چه روش‌هایی فعالیت رسانه‌ها و فرهنگ رایج، زندگی و فعالیت‌های مجرمان و خرده فرهنگ‌های آنان و اقدام‌های نظام کنترل اجتماعی و عدالت کیفری در زندگی روزمره با هم تلاقی پیدا می‌کنند. جرم‌شناسی فرهنگی به دنبال شناخت این امر است که چگونه جرم و کنترل آن ساخت بندی و اعمال گردیده و با مقاومت مواجه می‌شود. این جرم‌شناسی جرم را به عنوان یک پدیده خرده فرهنگی تعریف می‌کند که حول ارتباط نمادین و هویت جمعی سازمان دهی می‌شود. جرم‌شناسان فرهنگی بر این باور پافشاری می‌کنند که واقعیت جرم نه در عمل یا رویداد خاص بلکه در فرایند واکنش‌ها و تعاملاتی نهفته است که به وسیله آن معنای آن فعل یا حادثه مورد بحث و مناقشه قرار می‌گیرد. از همین رو، آنان سعی می‌کنند نه فقط معنای قانون شکنی و جرم را از نظر اعضا خرده فرهنگ بدانند، بلکه در تلاشند تا محرکه‌های رسانه‌ای و سایر ابعاد نمایانند جرم و کنترل جرم و مجاری فرهنگی که از طریق آن این سیاست‌ها پیاده می‌شوند را ببینند. (ترجمه رحیم نژاد و بابای، ۱۳۹۶)

در مطلبی که جی ام برگر و جسیکا استون در نشریه دیفنس وان، به تحریر در آورده‌اند، به بررسی عوامل و علل درونی و بیرونی گرایش افراد به گروه تروریستی داعش پرداخته شده است. براساس این مطلب، این گروه با انتشار فیلم‌های تبلیغاتی در شبکه‌های اجتماعی و نشان دادن زندگی عادی نیروهای خود و اعمال خشونت بار آنها و ترجمه این فیلم‌ها به زبان‌های

انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی، اندونزیایی و اردو، اقدام به جذب نیروهای خود از کشورهای اروپایی و عربی نموده است. این فیلم‌ها با انتشار مفاهیمی چون، دعوت به مهاجرت و ترک وطن و پیوستن به وطن واقعی که همان سرزمین‌های اشغال شده توسط گروه خلافت اسلامی است، اقدام به جذب نیرو و کمک‌های مالی می‌نماید. در این کلیپ‌های تبلیغاتی اغلب ضارب‌ان که به طرز وحشتناک و خشونت باری اقدام به از بین بردن مخالفان خود می‌کنند، سفیدپوست و اروپایی هستند و همین امر، موجب تقویت انگیزه افراد بیشتر در پیوستن به این گروه می‌شود. در مورد تعداد واقعی افراد جذب شده به این گروه اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما به گزارش خبرگزاری رادیو اروپای آزاد، تعداد این افراد بیش از هفده هزار تن عنوان شده است. در خصوص کشورهای اروپایی مطرح نظیر انگلستان، فرانسه و آلمان شمار تروریست‌های پیوسته به داعش در مقایسه با آمریکایی‌ها چشمگیرتر است به گونه‌ای که تعداد شهروندان انگلیسی مرتبط با داعش ۵۰۰ تن، فرانسوی‌ها ۱۰۰۰ تن و آلمانی‌ها ۵۵۰ تن تخمین زده می‌شود. اما با این حال، بیشترین تعداد افراد جذب شده به این گروه را افرادی از کشورهای عربی و آفریقایی تشکیل می‌دهند.

۷- جرم شناسی صلح طلب یا عدالت اجتماعی

جرم شناسی صلح طلب، رویکردی است که بر درمان، بازسازی، جایگزینی زندان، میانجی‌گری و نوعی نگاه عدالت اجتماعی که در آن به همه اشخاص بایستی فرصت‌های برابر برای موفقیت در زندگی کردن داده شود، تمرکز می‌نماید. (کلین ویسکی، ۱۹۹۷) به نظر هاروی نیاز مفهومی نسبی است. احتیاجات و نیازهای انسانی ثابت نیستند. زیرا مقولاتی وابسته به محور انسان می‌باشند و به موازات تحول جامعه، شعور و در نتیجه نیاز تحول می‌یابد. بر پایه عدالت اجتماعی جامعه باید برای کاهش خطرات اجتماعی در نواحی پر خطر مخارج بیشتری تقبل کند. اقدام به چنین کاری خود تأمین عدالت اجتماعی است و همین امر درباره تخصیص منابع اضافی به گروه‌هایی که نیازمند خدمات بیشتری هستند نیز صادق است. به نظر هاروی پسندیده است به گروه‌های شدیداً نیازمند خدمات اضافی داده شود. زیرا آنها در بهره‌گیری از این خدمات دارای سابقه نیستند و به مصرف آنها عادت ندارند. این مسئله به ویژه در مورد خدمات تحصیلی و درمانی برای گروه‌های بسیار فقیر، مهاجران جدید و مانند آنها صادق است. از همین رو، در چارچوب جغرافیایی، تخصیص منابع اضافی برای جبران مشکلات اجتماعی و طبیعی خاص هر منطقه لازم است. هاروی معتقد است برای کاهش جرایم و آسیب‌های اجتماعی باید

نظام توزیع عادلانه، کارآمدترین شود و در راستای رفع نیازهای اساسی انسانی اقدام نمود. (ترجمه حسامیان و همکاران، ۱۳۷۶) لذا تامین کنندگان تامین مالی تروریسم با تامین نیازهای اعضای گروه‌های تروریستی و ارایه خدمات به آنها، آنها را به سوی نیل به اهداف خود سوق می‌دهند.

۸- نظریه خنثی سازی جرم

براساس این نظریه مجرمین برای اینکه تصویر ذهنی و قبیح جرم را از ذهن خود زدوده و آسان‌تر مرتکب جرم شوند، با استفاده از روش‌ها و فنونی به توجیه اعمال و رفتار مجرمانه خود می‌پردازند. این فنون شامل، انکار مسئولیت از سوی بزه‌کار و قربانی اوضاع و شرایط دانستن خود، انکار قربانی و بیان اینکه او خود در ایجاد این شرایط نقش داشته است، انکار ضرر و زیان و مثبت دانستن عمل خود، محکوم کردن محکوم کنندگان و متهم کردن آنها به فساد و کشتار و اعمال مجرمانه و خصمانه دیگر و توسل به علقه‌های برتر و انجام عمل مجرمانه برای هدف بزرگتر و گروه مورد علاقه مانند مردم یک کشور یا خانواده. (رحیمی نژاد، ۱۳۹۳) دیدگاه تامین کنندگان مالی تروریسم نیز از این نظریه پیروی می‌کند. براین اساس، این تامین کنندگان، دخالت دولت‌های خارجی و ظلم‌هایی که در اثر سیاست‌های ثروت اندوزانه و با هدف عقب مانده نگه داشتن مردم کشورهای خاورمیانه و آفریقایی در طول تاریخ اجرا گشته را، به عنوان دلایل خنثی کننده جرم در نظر گرفته و در مقابله با اهداف این کشورها، اقدام به حمایت مالی از گروه‌های تروریستی می‌نمایند. (Merton, 1986)

اهداف تامین کنندگان مالی تروریسم

این پدیده انگیزه‌ها، علل و عوامل متعددی دارد که توسط قوانین، سیستم‌ها، ارزش‌ها و اندیشه‌های مختلف اداره می‌شود و به طور یکسان بر رفتار افراد و دولت‌ها تاثیر می‌گذارد، که ممکن است منجر به ظهور برخی از پدیده‌های جدید در جامعه بین‌المللی شود، و این پدیده شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی را به شکل منفی و یا مثبت تحت تاثیر قرار می‌دهد. انگیزه‌ها و اهداف تامین کنندگان مالی تروریسم را می‌توان بدین شرح بیان نمود:

۱- انگیزه‌های سیاسی: تروریسم سیاسی در همه جوامع، خواه قدیمی و خواه مدرن، به شکلی ظاهر می‌شود، زیرا همیشه یک طبقه حاکم غالب و یک طبقه محکوم مغلوب وجود دارد. از همین رو، زمانی که طبقه حاکم، از طریق تسلط بر امتیازات و دستاوردها و عدم شرکت دادن همگان در حکومت، تروریسم سیاسی خود را علیه طبقه محکوم اعمال می‌کند، در این صورت روش‌های صلح آمیز بی اثر بوده و تنها گزینه خشونت مطرح خواهد بود و

زمانی که طبقه حاکم، با حذف افراد مخالف سیاست هایش از نمادهای دولتی و جایگزین و تحمیل کردن افراد طرفدار خود، شروع به تشدید دو دستگی و اختلاف می‌کند، نزد گروه دیگر حس مقاومت ایجاد می‌کند (العزاوی، ۲۰۰۶).

۲- انگیزه‌های اقتصادی: ظواهر عوامل اقتصادی با عملیات تروریستی مرتبط است، به گونه‌ای که وضعیت فقر، بیکاری، نبود عدالت اجتماعی، فساد، ساخت اسلحه و خرید و فروش آن، همه عواملی هستند که تولید و گسترش پدیده تروریسم و رشد قابل توجه آن هستند. به علاوه استثمار غیرقانونی ثروت‌ها در کشورهای جهان سوم و پافشاری کشورهای بزرگ برای حفظ شکاف اقتصادی و غرق ساختن بازار تجاری در وام‌ها و بدهی‌ها، همگی منجر به ظهور گروه‌های تندرو و تروریستی می‌شود. (ایمن، ۲۰۱۸)

۳- انگیزه‌های اجتماعی: فقدان روح عدالت، فروپاشی خانواده، غیاب گفتگو و ضعف حس تعلق به جامعه، مسائلی هستند که به ساخت و رشد این پدیده کمک کردند. عامل اقتصادی نیز ممکن است از طریق وجود اختلاف طبقاتی بین گروه‌های جامعه در کنار عوامل مذکور قرار بگیرد، زیرا گروهی وجود دارد که به دنبال ایجاد برابری در میان اعضای جامعه است و گروهی دیگر نیز برای حفظ دستاوردها و امتیازات دست یافتنی خود کار می‌کنند که با آنها خوش می‌گذرانند. بنابراین در نتیجه این تحولی که گاه، گروه‌های جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد، این گروه‌ها مجبور می‌شوند مواضع و نگرش خود را نسبت به قدرت موجود یا طبقه حاکمه تغییر دهند و این امر سبب می‌شود که این گروه‌ها به اعمال تروریستی روی بیاورند و منجر به اعمال خشونت می‌شود. (همان، ۸)

۴- عوامل مرتبط با فناوری: حامیان و خود سازمان‌های تروریستی می‌کوشند تا از طریق انقلاب اطلاعاتی، زیرساخت‌های دشمنان خود را از بین ببرند و محیط مناسبی را برای خود خلق کنند تا به گسترش بیشتر قلمرو آنها کمک کند و با این شرایط بتوانند به شکل قابل توجهی به وضعیتی فرامرزی دست پیدا کنند. (Mitra, 2008)

۵- انگیزه‌های دینی: اختلافات دینی و مذهبی، عامل مهمی برای حمایت از فعالیت‌های تروریستی به شمار می‌رود، طوری که درک نادرست از دین و اصول و باورهای دینی و نیز به کارگیری مکاتب تکفیری در خارج از مرزها به منظور دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و مخالفت با آیین‌های برخی از اقلیت‌ها در جوامعی که دارای تعدد دینی و مذهبی هستند و نیز عقاید دینی اکثریت غالب جامعه، آنجا که تعصبات دینی میان افراد جامعه رواج

دارد، باعث می‌شود تا آن را توجیهی برای توسل به انجام اقدام‌های تهاجمی و تروریستی جهت رسیدن به چندین هدف مختلف در نظر بگیرند. (همان، ۹)

نقاط داغ تامین مالی تروریسم

منشأ، خاستگاه و نقطه بالقوه افراط‌گرایی و تروریسم که منافع جامعه بین‌المللی را تهدید می‌کند، حوزه جغرافیایی شمال آفریقا، خاور نزدیک و خاورمیانه است. وضع تهدید کننده منطقه حاصل فقدان آزادی و دموکراسی، سطح پایین دانش، عدم توسعه فرهنگی، جایگاه نامناسب زنان و وضعیت نامطلوب حقوق بشر است. به عبارت دیگر توسعه نیافتگی و محرومیت مردم از حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باعث رشد افراط‌گرایی اسلامی، تروریسم، مهاجرت غیر قانونی و جرایم سازمان یافته بین‌المللی می‌شود. بهترین راه حل برای درمان مشکلات و معضلات توسعه همه جانبه در قالب اصلاحات سیاسی، تقویت عدالت اقتصادی و اجتماعی است. (Krueger and Maleckova, 2003) فقر و دموکراسی از عوامل مهم بالقوه برای اثرگذاری بر تروریسم هستند. فقر شدید باعث می‌شود که افراد از سر استیصال وادار به انجام اقدامات تروریستی شوند. سطوح پایین توسعه اقتصادی به معنای کاهش فرصت‌های شغلی بوده و فعالیت‌های تروریستی را به گزینه‌ای جذاب برای افراد تبدیل می‌کند. عدم وجود فرصت‌های سیاسی نیز باعث افزایش جذابیت تروریسم شده و تا حدودی آن را توجیه پذیر می‌نماید. نظم و شرایط موجود نیازمند برنامه ریزی انسان دوستانه است که در آن اصل، خیر همگانی باشد و عده‌ای نسبت به عده‌ای دیگر برتر نباشند. از همین رو، مبارزه با تروریسم نیازمند همکاری جمعی جامعه بین‌المللی است. همکاری‌هایی که از لایه‌های زیرین جوامع، با کسب آموزش و حداقل آزادی سیاسی و برابری اقتصادی و تلاش برای مبارزه با فقر حاصل شود. (Sandler and Enders, 2004)

گونه شناسی تامین مالی تروریسم

الف: تامین کنندگان

۱- دولت‌ها: نیاز تروریست‌ها به منابع مالی موجب گردید تا با توجه به هم پوشانی منافع آنها با برخی از دولت‌ها، حامیان مالی از میان دولت‌ها به دست آورند. دولت‌های حامی تروریسم با صرف چنین هزینه‌هایی منافع خود را از شیوه‌های نامشروع دنبال می‌کنند. کمک‌های مالی شوروی سابق، کره شمالی و کوبا به گروه‌های تروریستی مارکسیستی سراسر جهان در همین راستا صورت می‌گرفت. لیبی چنین کمک‌هایی را سخاوت‌مندانه به گروه‌هایی چون بریگادهای

سرخ، ارتش جمهوری خواه ایرلند، ببرهای تامیل، ارتش سرخ ژاپن و دیگر گروه‌ها تقدیم می‌کرد. (ادامس، ۱۹۸۶) حمایت کشورها از تروریسم عمدتاً به شیوه‌های پنهانی و غیر مستقیم است و در این میان عمدتاً شیوه‌هایی را در پیش می‌گیرند که راه هرگونه اتهام را بر آنان می‌بندد. (ترجمه محمدی نجیم، ۱۳۸۱) حمایت مالی دولت‌ها از گروه‌های تروریستی که با عنوان تأمین مالی تروریسم شناخته شده است به معنای ارائه یا جمع آوری وجوه است، به هر وسیله، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، بر خلاف قانون و به طور عمد، به قصد یا با علم به اینکه به طور کلی یا جزئی صرف اعمال تروریستی شود. مطابق این تعریف هرگونه کمک مالی به صورت منقول یا غیر منقول، وجه نقد یا مال عینی و دینی، یا هر نوع اسناد یا ابزار الکترونیک یا دیجیتال از قبیل: اعتبارات بانکی، چک مسافرتی، چک‌های بانکی، سهام و حواله‌ها به گروه‌های تروریستی، تأمین مالی تروریسم محسوب می‌شود. (زرنشان، ۱۳۸۶) این حمایت‌ها به تشکیل تروریسم تحت حمایت دولت منجر شده است. به عبارتی، از این طریق دولت‌ها اهداف سیاسی خود را دنبال می‌کنند، در حالی که هویت خود را پشت نام گروه‌های دیگری که به طور مستقیم در اقدامات تروریستی درگیرند، مخفی نگه می‌دارند و از این بابت نیز اهداف خود را پیگیری و هم وجهه بین‌المللی خود را حفظ می‌کنند. از مهمترین و رایج ترین حمایت‌های دولت‌ها از گروه‌های تروریستی، تأمین مالی آنهاست. استفاده از منابع مالی دولت‌ها برای سازمان‌های تروریستی یک امتیاز عمده محسوب می‌شود، زیرا منابع مالی تصوراتپذیری را در اختیار آنها قرار می‌دهد که مستقیماً از درآمدهای ملی کشور سرچشمه می‌گیرد، همچنین این کمک‌ها خود نشان از حمایت مالی آن دولت از گروه تروریستی در تمامی زمینه‌هاست. وابسته بودن کمک‌های مالی به اقتصاد کشور کمک کننده، گروه‌های تروریستی را امیدوار می‌کند تا زمانی که منافع کشور کمک کننده را برآورد کنند، این منابع پایان نپذیرند و به علاوه که به واسطه همین کمک‌های مالی از حمایت‌های دیپلماتیک دولت نیز برخوردار خواهند بود. بدین ترتیب، منابع درآمد تروریست‌ها و از جمله کمک مالی کشورها به آنها از یک سو این گروه‌ها را در ادامه فعالیت‌های خود توانا می‌کند و از سوی دیگر، قواعد و مقررات راجع به مبارزه با تأمین مالی تروریسم را ناکام می‌گذارد. (نظری، ۱۳۹۶) اقدام‌هایی چون، قتل، ایجاد رعب و وحشت برای غیرنظامیان یا سازمان دهی و تشویق اقدامات ذکر شده، همواره به منزله نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه محکوم است و کلیه اسناد بین‌المللی اعم از اسناد سازمان ملل متحد و سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی دست کم بر این مسئله اجماع داشته‌اند که دولت‌ها باید از

سازماندهی، تحریک یا مشارکت در اقدامات تروریستی خودداری کنند اما هنوز دولت‌هایی هستند که قصد قلع و قمع کردن شبکه‌های تروریستی را ندارند یا دست کم مایل نیستند منابع مالی تروریست‌های نوحسته را خشک کنند. (فلسفی، ۱۳۹۰)

۲- بازار بورس و خدمات: بازار بورس اوراق بهادار به دلیل پیچیدگی‌هایی که در کار تأمین سرمایه دارا است و گمنامی و بی‌نام و نشانی معامله‌کنندگان در این موسسات و حاکم نبودن فرهنگ سنتی نظام مالی و دسترسی همیشگی به اوراق بهادار صرف نظر از رونق یا کساد بازار از جمله بازارهایی است که به راحتی می‌تواند در تأمین مالی تروریسم از طریق پولشویی و خرید و فروش سهام مورد توجه تأمین‌کنندگان قرار بگیرد. (ترجمه امیر بشیری، ۱۳۷۶)

افراد و موسسات در چنین بازارهایی برای فعالیت نیاز به تبدیل دارایی‌های خود به پول دارند. لذا جریان یافتن بی‌قید و شرط سرمایه، از نظر عاملین بازار دارای اهمیت و اولویت زیادی است. دلالتان شرکت‌ها ضرورتاً شناخت مستقیم و بلا واسطه از مشتریان خود ندارند، بلکه موسسات مالی دور از کرانه که از طریق وکلا و مشاوران مالی و یا از طریق یک بانک خارجی معامله می‌کنند، نمایندگی مشتریان دلالتان را به عهده دارند. نماینده نیز ممکن است فقط عامل یا امین مالک واقعی باشد و مالک واقعی حتی برای وی نیز نامعلوم باشد. سهام بی‌نام نیز مالکیت را پنهان می‌کند. (Clutter buck, 1995) زیرا صرفاً به وسیله تحویل بین افراد رد و بدل می‌شود. این ویژگی‌ها محیط مناسبی را برای پولشویان و تأمین‌کنندگان مالی تروریسم فراهم می‌سازد. در دو دهه اخیر تاکتیک پولشویان حضور فعال در بازار سهام در همه کشورها بوده است. طبق بررسی‌هایی که در خصوص حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به عمل آمده، مشخص شده است که چند روز قبل از این حوادث، سهام شرکت‌هایی که از این تهاجمات ضرر می‌دیدند مثل شرکت‌های هواپیمایی، بیمه و غیره، به شکل گسترده‌ای مورد خرید و فروش قرار گرفته است. در واقع دولت‌ها و گروه‌های تروریستی در پشت این تغییرات در بازارهای جهانی بودند و با اطلاع از این حوادث و شرکت‌هایی که از این حوادث ضرر می‌دیدند، به خرید و فروش سهام و بازی با قیمت آنها پرداختند. در بخش بیمه نیز به عنوان بنگاه‌های خدماتی، به دلیل گستردگی و حجم این صنعت، دسترسی آسان و گوناگونی خدمات و سهولت پذیرش مشتری و قابلیت انتقال بیمه‌نامه نسبت به پولشویی آسیب‌پذیر است. به خصوص که در برخی مناطق این موسسات به طور بین‌المللی فعالیت می‌کنند و در نتیجه به طور طبیعی از نمایندگی‌ها و واسطه‌هایی استفاده می‌کنند که در بسیاری موارد ضرورتاً مرتبط و تحت کنترل و نظارت

شرکت اصلی نیستند. بنابراین، از آنجایی که تعیین این مساله که چه کسی ذینفع در قرارداد بیمه است، با توجه به بیمه‌گذار متفاوت می‌شود، اعمال قواعد شناسایی مشتری با مشکل روبه‌رو می‌شود و مشخص نیست که این قواعد باید نسبت به بیمه‌گذار رعایت شود یا ذینفع نهایی. لذا موسسات بیمه قابلیت ذاتی برای پولشویی و تأمین مالی تروریسم را به خصوص در مرحله جایگزینی دارا هستند. (بستگانی، ۱۳۸۷)

۳- موسسات

الف: کازینوها: کازینوها و سایر باشگاه‌های قماربازی مدت‌های زیادی است که به عنوان پوشش کاملاً موثری برای مقاصد پولشویی و تأمین مالی تروریسم به کار می‌روند. فعالیت کازینوها غالباً بر گردش پول نقد متمرکز است و بسیاری از عملیات بانکی در آنجا نیز انجام می‌شود. در کازینو-ها، همه نوع ارز خارجی را تبدیل می‌کنند، صندوق امانات در اختیار مشتریان می‌گذراند و مبالغ هنگفتی به صورت نقد یا چک پرداخت می‌کنند. حتی در کازینوهای معروف به مشتریان اعتبار می‌دهند. یعنی مشتری می‌تواند پول خود را به طور امانی به یک کازینو بسپارد و آن را در کازینوی شهر دیگر دریافت کند. (رابینسون، ۱۳۸۱) در کازینوها با دریافت پول نقد ژتون-های بازی به مشتریان داده می‌شود و جنایتکاران می‌توانند پس از چند دور بازی با پس دادن ژتون‌های باقی‌مانده بازی، پول دریافت کنند و آن را به عنوان پول برنده شدن در قمار در حساب خود واریز کنند و یا چنانچه پولشویان خود مالک کازینو باشند، پول‌های نامشروع را با درآمدهای کازینو در هم آمیخته و به حساب بگذرانند. (Kleniewski, 1997)

ب: خیریه‌ها یا (NPO): موسسات غیرانتفاعی نام سازمان‌هایی است که با هدف کمک رسانی و انجام امور اجتماعی ایجاد شده است. نقش این سازمان‌ها با توجه به حجم پولی که سالانه در سیستم گردش مالی آنها جابه‌جا می‌شود، قابل مشاهده است. گردش مالی این سازمان‌ها حدود ۱/۳ تریلیون دلار و معادل ۷ برابر تولید ناخالص داخلی انگلیس و فرانسه است. بیش از ۴۰ میلیون نفر در سراسر جهان در ۵۰ شرکت مرتبط با این موسسات در حال اشتغال هستند. این سازمان‌ها در سال ۲۰۰۶ مبلغ ۲۰ میلیارد دلار جهت انجام هزینه‌های عملیاتی خود تأمین نمودند که برهمین اساس می‌توان به نقش حساس و حیاتی که آنها در گردش چرخه اقتصاد دارند، اذعان نمود. ایالات متحده آمریکا، به عنوان بزرگترین اهدا کننده، دارای بیشترین کمک‌های خیریه‌ای جهان در داخل و خارج است. همچنین این سازمان‌ها به عنوان نهادهایی حامل شناخته شده‌اند. چرا که این سازمان‌ها، نهادهایی دارای قوه تأمین مالی

تروریسم شناخته می‌شوند و از همین رو، آسیب پذیرند. این سازمان‌ها در عین حالی که فرصت‌های بسیاری را در اختیار تامین مالی تروریسم یا پولشویی قرار می‌دهند، نقش پررنگی نیز در مقابله با تروریسم دارند. این سازمان‌ها می‌توانند با ایجاد ساختارهای اجتماعی و فراهم آوردن فضای گفت و شنود و درک متقابل در جامعه، از بروز زمینه‌های ایدئولوژیک پیوستن به تروریسم و افزایش تروریسم در جهان پیشگیری نمایند. در کشورهای مختلف برنامه‌های خاصی جهت مهار حامل‌های مالی برای تروریسم، در نظر گرفته شده است که از آن با عنوان مبارزه با تامین مالی تروریسم یا (CFT)، یاد می‌شود. اما باید پذیرفت که CFT هیچ اقدام پیشگیرانه اجتماعی جهت مقابله با تامین مالی تروریسم ارائه نمی‌دهد. همچنین از سوی دیگر، دولتها می‌بایست از به کار بردن نام خیریه‌ها در انجام پولشویی یا تأمین مالی تروریسم جلوگیری کنند، زیرا در غیر این صورت به موقعیت و عملکرد این موسسات خدشه وارد می‌شود. گاهی این سازمان‌ها توسط سرمایه دارانی تشکیل می‌شود که هدف آنها از ابتدا فراهم آوردن زمینه کمک به اقدام‌های تروریستی است. CFT برنامه‌هایی با عنوان حسابرسی مالی جهت مقابله با این طرح‌ها ارائه کرده است. (CTITF, 2009)

۴- اشخاص حقیقی و حقوقی

روش‌هایی که اشخاص حقیقی یا حقوقی جهت تامین مالی تروریسم به کار می‌برند شامل موارد زیر است: **اسمورفینگ**: این روش احتمالاً عمومی‌ترین روش مورد استفاده در بین روش‌های پولشویی می‌باشد و شامل تعداد زیادی از افراد می‌شود که به وسیله مجرمین استخدام می‌شوند تا عملیات بانکی کمتر از میزانی که مشمول شرط گزارش دهی به مقامات مسئول پولشویی می‌شود را، انجام دهند. این شیوه در کشورهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که طبق قانون وقتی مبلغ معامله به حد معینی برسد و باید به مقامات مسئول پولشویی گزارش داده شود. برای مثال در آمریکا معاملات نقدی با مبلغ بیش از ده هزار دلار و در اروپا با مبلغ بیش از ۱۵ هزار یورو باید گزارش شود. لذا برای سپرده گذاری مبلغی در حدود صد هزار دلار چندین نفر استخدام می‌شوند که هریک کمتر از ده هزار دلار را به بانک برده و سپرده گذاری کنند. عنوان Smurf برگرفته از نام شخصیت‌های کارتونی آبی رنگی است که در یک زمان می‌توانند در جاهای مختلف حضور داشته باشند. این روش به ویژه در آمریکا و کانادا بسیار رایج است. به همین جهت نیز مقامات آمریکایی به منظور جلوگیری و مبارزه با این روش مقرر داشته‌اند که چنانچه معامله‌ای به حد ده هزار دلار نرسد اما به نظر مقامات بانکی مشکوک باشد، نیز باید

گزارش شود.

حواله: یک سیستم موازی و یا جایگزین سیستم بانکی است که برای انتقال پول استفاده می‌شود، بدون اینکه پول واقعا جا شود. این سیستم که بیشتر توسط مهاجرین و برای فرستادن پول برای خانواده و آشنایان در میهن خود مورد استفاده قرار می‌گیرد، بدین شکل است که شخصی که قصد انتقال مقداری پول به کشور دیگر را دارد با مراجعه به یکی از موسساتی که بدین منظور تأسیس شده است، پول مورد نظر خود را به آنها می‌سپارد و موسسه حواله نیز با همکار خود در کشور مورد نظر فرستنده تماس می‌گیرد و از او می‌خواهد معادل پولی که وی از فرستنده گرفته است به واحد پول محلی به شخص مورد نظر فرستنده تحویل دهد و مقداری هزینه نیز از فرستنده می‌گیرد. این موسسه در معاملات بعدی که با موسسه موجود در کشور مقصد دارد، این مقدار پول را با موسسه تحویل دهنده پول، تهاتر میکند. بنابراین سیستم حواله کاملاً بر پایه اعتماد بین موسسات صورت می‌گیرد. این سیستم انتقال که در خاور دور Chop و در هندوستان Hundi خوانده می‌شود در سال‌های اخیر در خاورمیانه و به خصوص دوبی و پاکستان متمرکز شده است. این سیستم به ویژه در اروپا بسیار فعال است. چون تعداد زیادی از مهاجرین آسیایی و آفریقایی که در اروپا کار می‌کنند با استفاده از حواله قسمتی از حقوق خود را برای خانواده-هایشان می‌فرستند. در انگلستان در سال ۱۹۹۱، حدود ۱۰۰۰ موسسه حواله وجود داشته است که در میان آنها ۱۲ موسسه به پولشویی و تأمین مالی تروریسم، مشغول بوده‌اند. (Adames, 1986)

ب: تأمین شوندگان مالی تروریسم

گروه‌های تروریستی: مشهورترین گروه‌های تروریستی که اقدام به تأمین مالی خود از راه-های پولشویی و جذب حمایت‌های مالی از افراد، نهادها و دولت‌ها می‌نمایند، عبارتند از: طالبان، القاعده، شبکه حقانی، حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، جبهه النصره، داعش، جیش محمد، امارات اسلامی قفقاز و جنبش اسلامی ازبکستان هستند. این گروه‌ها با انجام فعالیت‌های رسانه-ای در کشورهای اروپایی موفق به جذب نیرو و کمک‌های مالی هم از میان مهاجرین مسلمان و غیر مسلمان ساکن در این کشورها و هم در میان زنان و نوجوانان اروپایی، شده‌اند. از میان این گروه‌ها، گروه داعش به دلیل اقدام‌های خشونت آمیز و تأثیری که بر زنان و نوجوانان اروپایی گذاشته است، بسیار مشهور است. داعش گروه مسلحی است که با تفکرات افراطی تکفیری در طیف سلفی‌های جهادی و تروریستی، که با هدف ایجاد خلافت در سوریه و عراق در سال ۲۰۰۶ وجود آمد. این گروه پس از نشست شماری از گروه‌های مسلح در عراق شکل گرفت و

در این نشست ابوعمر بغدادی به عنوان سرکرده آن تعیین شد. این گروه از زمان تشکیل در سال ۲۰۰۶ عملیات و حملات تروریستی بسیاری را در عراق، سوریه، پاکستان و کشورهای اروپایی برعهده گرفته است. پس از مرگ ابوعمر بغدادی در سال ۲۰۱۰ ابوبکر بغدادی به عنوان جایگزین وی معرفی شد. (کریمی، ۱۳۹۴) پیشروی سریع و انتقال و سازماندهی تروریست‌های داعش بین مرزهای سوریه و عراق و ترکیه و دستیابی این گروه به انواع سلاح و مهمات و تجهیزات پیشرفته، بدون در اختیار داشتن منابع مالی و تسلیحاتی و حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی امکان‌پذیر نیست. قاچاق نفت و اشیای قیمتی از سوریه و انتقال آن به خاک ترکیه و فروش آنها در بازار سیاه، غارت اموال مردمی و دولتی من جمله دستبرد به بانک‌ها، گرفتن مالیات از تاجران و مغازه داران محلی، تجارت موادمخدر، اخاذی و آدم ربایی، جعل و تقلب در کنار حمایت‌های مالی شهروندان و دولت‌های عربی از جمله عربستان و قطر، فروش برده داری و کنیز فروشی از مهمترین فعالیت‌های این گروه تروریستی برای رفع نیازها و هزینه‌های مالی خود است. (نساج، نظری، ۱۳۹۴)

۲- دولت‌ها: بزرگترین خطری که امروزه جهان با آن مواجه است، خطر ناشی از گروه‌های تروریستی به ویژه گروه‌هایی است که تحت حمایت دولت‌ها می‌باشند. (درشاوتیز، ۱۳۸۳) دولت‌ها برای تحقق آن دسته از اهداف سیاست خارجی که از دیگر راه‌های سیاسی یا نظامی قابل حصول نیست و همچنین برای به دست آوردن یا تقویت پایگاه قدرت و نفوذ خود در میان جنبش‌های ایدئولوژیک و فرونشاندن مخالفان داخلی خود و حذف آنان از این شیوه استفاده می‌کنند. ردیابی اقدام‌های آنها اغلب دشوار و در عین حال به دلیل مخفیانه بودن جهت دستیابی به اهداف مورد نظر خود احزاب و گروه‌هایی را برای انجام فعالیت‌های تروریستی حمایت و تامین مالی می‌کنند. (رئیزی و حیدرقلی زاده، ۱۳۹۶) دولت ایالات متحده آمریکا در دهه ۸۰ و اواسط دهه ۹۰ با کمک‌های مالی و نظامی به مجاهدین افغانی، آنها را جهت مقابله و نفوذ روسیه و کمونیسم در اجرای سیاست خارجی خود در منطقه خاورمیانه تجهیز و حمایت کرد تا اقدام‌های تروریستی خود را علیه این کشور در خاک افغانستان ادامه دهند. (نجفی ابرند-آبادری، ۱۳۸۶) بعد از خروج دولت روسیه از افغانستان، گروهک القاعده در سال ۱۹۹۶ تقریباً نیمی از خاک افغانستان را به تسلط خود در آورد و از طرف دولت‌هایی چون پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به رسمیت شناخته شد. دولت آمریکا با همکاری و کمک‌های مالی به بن لادن تروریست سعودی، نفرت و اعضای شبکه جهانی القاعده را در اردوگاه‌های

مورد نظر خودشان آموزش می‌دادند که این امر منجر به تجهیز کردن شبکه جهانی القاعده و بعد، منجر به حمله این سازمان تروریستی سازمان یافته به برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی و ساختمان پنتاگون شد. (رئیس وحیدرقلی زاده، بی تا: ۷۲)

نتیجه‌گیری

۱- نظریات جرم شناختی به تبیین علل گرایش افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و دولت‌ها به تأمین مالی تروریسم از سه منظر فردی، گروهی و جامعه‌ای پرداخته‌اند. براساس نظریه معاشرت افتراقی، معاشرت، تحت تاثیر قدرت و امکانات قرار گروه یا دسته گرفتن و آموزش تعابیر مطلوب این گروه‌ها موجب گرایش به آنان می‌شود. براساس نظریات بی سازمانی اجتماعی و فشار و جرم شناسی صلح طلب و عدالت اجتماعی، عدم توزیع مناسب فرصت‌ها و عدم سازمان یافتگی و به حاشیه رانده شدن افراد در محله‌ها و گروه‌ها، فقر و بیکاری، نبود آزادی از سایر علل گرایش به گروه‌های تروریستی و حمایت مالی از آنهاست.

۲- فضا سازی رسانه‌ای و تبلیغات جهت جذب نیرو و حمایت‌های مالی براساس نظریه جرم شناسی فرهنگی، خنثی سازی زشتی و قبح اعمال مجرمانه و کمک به گروه‌های تروریستی از منظر نظریه خنثی سازی جرم، توجه به موضوع بی ثباتی و آشوب درونی و بیرونی در تغییر یک باره افراد و گرایش به ایدئولوژی‌های افراطی از منظر نظریه پست مدرنیسم، بی عدالتی در به کیفر رساندن و عدم دستیابی به عدالت براساس نظریه مارکسیستی، عدم انطباق با ارزش‌های جامعه از سوی مهاجرین آفریقایی و خاورمیانه خصوصاً مسلمانان و عدم جامعه پذیری در جامعه‌های مقصد از منظر نظریه کنترل اجتماعی نیز به عنوان دیگر دلایل جرم شناختی گرایش و تأمین مالی تروریسم توجیه می‌شود.

۳- دولت‌ها، سازمان‌ها و گروه‌هایی که برای تأمین اهداف خود و پیشبرد سیاست‌های فرهنگی- اقتصادی و اجتماعی خود و با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان شهروندان و تسلط بر مردم سرزمین‌هایی که گروه‌های تروریستی در آن متولد می‌شود، اقدام به تأمین مالی تروریسم می‌نمایند.

۴- کشورهای آفریقایی، خاور دور و نزدیک به دلیل فقر، بیکاری و عدم توزیع عادلانه رفاه، آموزش، سلامت و امنیت، عدم ثبات سیاسی و وابستگی‌های اقتصادی از جمله کشورهای تولید کننده عمده تروریسم در جهان محسوب می‌شوند که مردمان آنها اغلب در اثر درگیر شدن با جنگ‌های داخلی و خارجی متعدد، مهاجرت و میل به انتقام از تأمین کنندگان مالی تروریسم تروریسم محسوب می‌شوند.

منابع فارسی

کتاب

- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۸۹)، نظریه‌های جرم‌شناسی و بزه‌کاری با تأکید بر شناخت اجتماعی، چاپ اول، انتشارات ارجمند
- باندورا، آلبرت (۱۳۸۱)، سازوکارهای بی‌قیدی اخلاقی، ترجمه سید حسین محمدی نجم، دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ اول
- بریسمن، اوی و ساوس، نیگل (۱۳۹۶)، جرم‌شناسی فرهنگی سبز: راهبردهای جدید در جرم‌شناسی انتقادی، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد و مهدی بابایی، انتشارات مجد
- دیویس رو آن با سورت و گراهام سالت مارش (۱۳۷۶)، پولشویی، ترجمه نصرالله امیر بشیری، معاونت آموزش ناجا
- رابینسون، جفری (۱۳۸۱)، شستشوی پول آلوده، ترجمه آلبرت برناردی، چاپ اول، کلک آزادگان
- رحیمی نژاد، اسمعیل (۱۳۹۳)، جرم‌شناسی، چاپ سوم انتشارات فروش
- سخاوت، جعفر (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات دانشگاه پیام نور
- لایلا رئیسی، جعفر حیدرقلی زاده (۱۳۹۶)، بررسی تروریسم دولتی آمریکا و تأثیر استراتژی آن کشور بر امنیت کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه از منظر حقوق بین‌الملل، در آمریکا و تروریسم، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی عملکرد دولت آمریکا در غرب آسیا از منظر حقوق بشردوستانه، زیر نظر سهراب صلاحی، انتشارات پژوهاک عدالت، چاپ اول
- صفاری، علی (۱۳۸۸)، درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و انواع آن، علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر آشوری، انتشارات سمت
- علی سلیمی، محمد داوری (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی کجروی: مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی، جلد اول، زیر نظر غلامرضا صدیق، پژوهشکده حوزه و دانشگاه
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۰)، صلح جاویدان و حکومت قانون، انتشارات نشر نو
- گسن، ریمون (۱۳۸۵)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، انتشارات مجد، چاپ دوم
- نوریها، رضا (۱۳۸۰)، زمینه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم

مقالات

- بستگانی، بهروز (۱۳۸۷)، سواستفاده از صنعت بیمه برای فعالیت‌های پولشویی، تازه‌های جهان بیمه، شماره‌های ۱۲۷ و ۱۲۸

- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۰)، نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی و فشار، تعالی حقوق، سال سوم، شماره ۱۲
- حمید نساچ، مینا نظری، مهدیه چوررنجبر (۱۳۹۴)، شناسایی و تأمین منابع مالی داعش، فصلنامه حبل‌المتین، سال چهارم، شماره یازدهم
- زر نشان، شهرام (۱۳۸۶)، شورای امنیت و تعهدات دولتها برای مقابله با تروریسم، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۶
- قدردان قرملکی، محمد حسن (۱۳۸۹)، اختیار، قانون علیت و دترمینیسم، انسان پژوهی دینی، سال هفتم، شماره ۲۳
- علی حسین نجفی ابرند آبادی، حسین گلدوزیان (۱۳۹۷)، جرم شناسی پست مدرن و رویکرد آن به جرم و علت شناسی جنایی، پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره بیست و سوم
- کریمی، سحر (۱۳۹۴)، نحوه و چگونگی پیدایش و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی: بررسی موردی دولت اسلامی عراق و شام، ماهنامه پژوهش ملل، دوره اول، شماره دوم

English Resources

Book

- Adames. James (1986), **The Financing of terror** London: New English Library
- Clutter buck, Richard (1995), **Drugs, Crime and Corruption**, Mc Millan press
- Kleniewski, N.C (1977), **Cities, change and conflict**, Boston, Boston University press
- Merton, R.k (1968), **Social Theory and Social Structure**, New York
- ross Matsueda, Edwin Sutherland, H (2014), **Differential Association Theory and Differential Social Organization**, SAGE knowledge publication

Articles

- Mitra, Siddharta (2008), **Poverty and terrorism**, Economics of Peace and Security Journal, Vol. 3, No. 2
- Sandler, T. and Enders, W (2004), **An Economic Perspective on Transnational Terrorism**, European Journal of Political Economy, Vol. 20, No. 2